

آیه ۱۶۵

آیه و ترجمه

و هو الذی جعلکم خلائف الارض و رفع بعضکم فوق بعض درجت لیبلوکم فی ما ءاتئکم ان ربک سریع العقاب و انه لغفور رحیم ۱۶۵
ترجمه :

۱۶۵ - و او کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان خود) در زمین قرار داد، و بعضی را بر بعض دیگر، درجاتی برتری داد تا شما را به آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید مسلماً پروردگار تو سریع الحساب، و آمرزنده مهربان است (به حساب آنها که از بوته امتحان نادرست در آیند زود می رسد، و نسبت به آنها که در مسیر حق گام بر می دارند مهربان می باشد).

تفسیر :

در این آیه که آخرین آیه سوره انعام است به اهمیت مقام انسان و موقعیت او در جهان هستی اشاره می کند تا بحثهای گذشته در زمینه تقویت پایه های توحید و مبارزه با شرک، تکمیل گردد، یعنی انسان ارزش خود را به عنوان برترین موجود در جهان آفرینش بشناسد تا در برابر سنگ و چوب و بتهای گوناگون دیگر سجده نکند و اسیر آنها نگردد، بلکه بر آنها امیر باشد و حکومت کند. لذا در جمله نخست می فرماید: او کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان خود) در روی زمین قرار داد (و هو الذی جعلکم خلائف الارض).

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۶۹

انسانی که نماینده خدا در روی زمین است، و تمام منابع این جهان در اختیار او گذارده شده، و فرمان فرمانروائیش بر تمام این موجودات از طرف پروردگار صادر شده است، نباید آنچنان خود را سقوط دهد که از جمادی هم پست تر گردد و در برابر آن سجده کند.

سپس اشاره به اختلاف استعدادها و تفاوت و مواهب جسمانی و روحی مردم و هدف از این اختلاف و تفاوت کرده، می گوید: و بعضی از شما را بر بعض دیگر درجاتی برتری داد تا به وسیله این مواهب و امکانات که در اختیارتان قرار داده است شما را بیازماید (و رفع بعضکم فوق بعض درجات لیبلوکم فی ما آتاکم).

و در پایان آیه ضمن اشاره به آزادی انسان در انتخاب راه خوشبختی و بدبختی نتیجه این آزمایشها را چنین بیان می کند: پروردگار تو (در برابر آنها) که از بوته این آزمایشها سیه روی بیرون می آیند سریع العقاب و در برابر آنها که در صدد اصلاح و جبران اشتباهات خویش بر آیند آمرزنده و مهربان است (ان ربک سریع العقاب و انه لغفور رحیم). تفاوت در میان انسانها و اصل عدالت شک نیست که در میان افراد بشر یک سلسله تفاوتهای مصنوعی وجود دارد

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۷۰

که نتیجه مظالم و ستمگری بعضی از انسانها نسبت به بعض دیگر است مثلاً جمعی مالک ثروتهای بی حسابند، و جمعی بر خاک سیاه نشسته اند، جمعی بر اثر فراهم نبودن وسائل تحصیل، جاهل و بیسواد مانده اند و جمع دیگری با فراهم شدن همه گونه امکانات به عالیترین مدارج علمی رسیده اند، عدهای به خاطر کمبود تغذیه و فقدان وسائل بهداشتی، علیل و بیمارند، در حالی که عده دیگری بر اثر فراهم بودن همه گونه امکانات، در نهایت سلامت به سر می برند. اینگونه اختلافها ثروت و فقر، علم و جهل، و سلامت و بیماری، غالباً از آن دسته استعمار و استثمار و اشکال مختلف بردگی و ظلمهای آشکار و پنهان است. مسلماً اینها را به حساب دستگاه آفرینش نمی توان گذارد، و دلیلی ندارد که از وجود اینگونه اختلافات بی دلیل دفاع کنیم.

ولی در عین حال نمی توان انکار کرد که هر قدر اصول عدالت در جامعه انسانی نیز رعایت شود باز همه انسانها از نظر استعداد و هوش و فکر و انواع ذوقها و سلیقه ها و حتی از نظر ساختمان جسمانی یکسان نخواهند بود. ولی آیا وجود این گونه اختلافات مخالف با اصل عدالت است یا به عکس عدالت به معنی واقعی، یعنی هر چیز را به جای خود قرار دادن ایجاب می کند که همه یکسان نباشند.

اگر همه افراد جامعه اسلامی مانند پارچه یا ظروفی که از یک کارخانه بیرون می آید، یک شکل، یکنواخت با استعداد مساوی و همانند بودند، جامعه انسانی یک جامعه مرده بی روح، خالی از تحرک و فاقد تکامل بود.

درست به اندام یک گیاه نگاه کنید ریشه های محکم و خشن، باساقه های ظریفتر اما نسبتاً محکم، و شاخه های لطیفتر و بالاخره برگها و شکوفه ها و

گلبرگهائی که هر کدام از دیگری ظریفتر است دست به دست هم داده و یک بوته گل زیبا را

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۷۱

ساخته‌اند، و سلولهای هر یک به تفاوت ماموریت‌هایشان کاملاً مختلف و استعدادهایشان به تناسب وظائفشان متفاوت است. عین این موضوع در جهان انسانیت دیده می‌شود، افراد انسان رویهمرفته نیز یک درخت بزرگ و بارور را تشکیل می‌دهند که هر دسته‌بلکه هر فردی رسالت خاصی در این پیکر بزرگ بر عهده دارد، و متناسب آن ساختمان مخصوص به خود، و این است که قرآن می‌گوید این تفاوتها وسیله آزمایش شما است زیرا همانطور که سابقاً هم گفتیم آزمایش در مورد برنامه‌های الهی به معنی تربیت و پرورش است، و به این ترتیب پاسخ هر گونه ایرادی که بر اثر برداشت نادرست از مفهوم آیه عنوان می‌شود روشن خواهد گردید.

خلافت انسان در روی زمین

نکته جالب دیگر اینکه: قرآن کراراً انسان را به عنوان خلیفه و نماینده خدا در روی زمین معرفی کرده است، این تعبیر ضمن روشن ساختن مقام بشر، این حقیقت را نیز بیان می‌کند که اموال و ثروتها و استعدادها و تمام مواهبی که خدا به انسان داده، در حقیقت مالک اصلیش او است، و انسان تنها نماینده و مجاز و ماذون از طرف او می‌باشد و بدیهی است که هر نماینده‌ای در تصرفات خود استقلال ندارد بلکه باید تصرفاتش در حدود اجازه و اذن صاحب اصلی باشد. و از اینجا روشن می‌شود که مثلاً در مساله مالکیت، اسلام هم از اردوگاه کمونیسم فاصله می‌گیرد و هم از اردوگاه کاپیتالیسم و سرمایه‌داری، زیرا دسته اول مالکیت را مخصوص اجتماع، و دسته دوم در اختیار فرد می‌داند، اما اسلام می‌گوید: مالکیت نه برای فرد است و نه برای اجتماع، بلکه در واقع برای خدا است و انسانها وکیل و نماینده اویند و به همین دلیل اسلام هم در طرز در آمد افراد، نظارت می‌کند، و هم در چگونگی مصرف، و برای هر دو قیود و شروطی

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۷۲

قائل شده است که اقتصاد اسلامی را به عنوان یک مکتب مشخص در برابر

مکاتب دیگر قرار می دهد.
پایان سوره انعام

